

الگوی روابط انسانی در تربیت دینی با تأکید بر سیره‌ی امام حسین (ع)

دکتر رضاعلی نوروزی*
راضیه بدیعیان**

چکیده

با عنایت به نقش الگویی ائمه، نویسندگان مقاله به شیوه‌ی تحلیلی به بررسی تربیت دینی در سیره‌ی امام حسین (علیه السلام) پرداخته و به این نتایج دست یافته اند که نهضت عاشورا به عنوان یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های سیره‌ی عملی امام حسین (ع) الگویی کامل در زمینه‌ی تربیت دینی است؛ به گونه‌ای که سیره‌ی عملی امام حسین (ع) در جریان واقعه‌ی کربلا الگویی کامل و جامع در روابط چهارگانه‌ی انسان (ارتباط با خدا، ارتباط با هستی، ارتباط با خود و ارتباط با انسان‌های دیگر) ارائه می‌کند.

عبادت آگاهانه، توکل و تسلیم و رضا در مفهوم پویا و سازنده، الگوهای تربیت دینی در ارتباط انسان با خالق در سیره‌ی امام حسین (ع) است. توجه به تفاوت‌های فردی انسان‌ها در روند تربیت، کل‌نگری مثبت، عمل‌گرایی و احترام به حقوق دیگران از جمله مؤلفه‌هایی است که در چارچوب ارتباط انسان با دیگران قرار دارد. عزت نفس که صلابت و اقتدار در برابر دشمنان را به همراه دارد و همچنین تواضع در برابر دوستان و بندگان خدا از جمله آثار تربیت دینی تجلی یافته در سیره‌ی امام (ع) است که مبین نقش تربیت دینی در ارتباط انسان با خود است. استفاده‌ی ابزاری از امکانات مادی و غیرمادی در دنیا در خصوص تحقق اهداف متعالی الگوی عملی سازنده‌ای است که در سیره‌ی تربیتی امام (ع) در ارتباط با دنیا به چشم می‌خورد.

واژه‌های کلیدی: ۱- تربیت دینی ۲- سیره‌ی امام حسین (ع) ۳- روابط انسانی

۱. مقدمه

به بیان صریح قرآن هدف غایی خلقت انسان عبادت است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا

* e-mail: nowrozi.r@gmail.com

* استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

** e-mail: rbg1357@yahoo.com ** کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه‌ی تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۸۸/۹/۲۱

تاریخ دریافت: ۸۸/۱/۳۱

لَيْبُذُونَ» و پریان و آدمیان را نیافریدم مگر تا مرا [به یگانگی] بپرستند (ذاریات/۵۶). علامه‌ی طباطبایی در تفسیر این آیه آورده است: «پس غرض نهایی از خلقت همان حقیقت عبادت است، یعنی این است که بنده از خود و از هر چیز دیگر بریده، به یاد پروردگار خود باشد» (۱۴، ج ۱۸، ص: ۶۱۶). یقیناً ثمره‌ی چنین عبادتی، عبودیت است و عبد خدا بودن صبغ‌های است که شؤون مختلف زندگی انسان را به رنگ الهی مزین می‌سازد و ثمره‌ی آن در مهار شهوات و دست‌یابی به علم توأم با تزکیه متبلور می‌گردد. کسب مقام عبودیت تنها در سایه‌ی تربیت صحیح محقق خواهد شد. با عنایت به این اصل مهم که «رشد در بدن انسان و مهارت‌های جسمانی، در جنبه‌های عقلی، در جنبه‌های اجتماعی، جنبه‌های عاطفی و جنبه‌های اخلاقی و دینی ظاهر می‌گردد» (۱۲، ص: ۱۴۳). بنابراین تربیت راهنمای جنبه‌های مختلف رشد شخصیت فرد؛ یعنی جنبه‌ی جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و دینی است.

تربیت دینی به عنوان یکی از مهم‌ترین زیرمجموعه‌های تربیت، در روند تحقق کمال اکتسابی متریبان نقش اساسی دارد. کثرت صاحب‌نظران در قلمروی تربیت دینی و ماهیت معنوی تربیت دینی، تمسک به الگوهای فرهیخته‌ای را که زندگی خود را براساس معارف الهی بنیان نهاده‌اند، اجتناب‌ناپذیر کرده است. به نص صریح قرآن یکی از راهکارهای هموارسازی مسیر تربیت و رهنمون شدن انسان به سوی کمال نهایی، الگوگیری از انسان‌های فرهیخته‌ای نظیر رسول خداست (احزاب/۲۱). در واقع وجود پیغمبر و ائمه‌ی اطهار به عنوان جانشینان بر حق ایشان کانونی است که ما باید از این کانون، روش زندگی استخراج کنیم. بر این اساس الگوهای منبعث از سیره‌ی معصومان به عنوان جانشینان برحق رسول خدا به منزله‌ی تئوری‌های تربیتی متقنی است که در سیره‌ی ایشان جامه‌ی عمل پوشیده است و می‌توان الگوهای تربیتی جامعی در کلیه‌ی قلمروهای تربیت، از جمله تربیت دینی، از آن استخراج کرد.

واقعه‌ی عاشورا بخشی از سیره‌ی عملی امام حسین(ع) است که براساس رویکرد تربیتی منبعث از تعالیم اسلامی شکل گرفت. با وجود این، به بعد حماسی آن بیش از بعد تربیتی توجه شده و می‌شود. این در حالی است که فرهنگ عاشورا، فرهنگی پویا و زاینده است که بررسی ابعاد تربیتی آن، به ویژه در عرصه‌ی تربیت دینی، می‌تواند منشأ تحولات عظیم تربیتی گردد. ابعاد تربیتی واقعه عاشورا و هم‌چنین تأثیر چشم‌گیر فرهنگ عاشورا بر رشد و تعالی جامعه، نویسندگان مقاله‌ی حاضر را بر آن داشت که ضمن مطالعه‌ی سیره‌ی امام حسین(ع) در جریان واقعه‌ی عاشورا، آموزه‌های تربیتی منبعث از آن را در عرصه‌ی تربیت دینی بررسی کنند.

۲. مفهوم‌شناسی تربیت دینی

۱.۲. مفهوم دین

واژه‌ی دین در فرهنگ لغات و نیز در کاربردهای قرآنی به معنای حکم و قضا، رسم و عادت، قانون، جزا، حساب، شریعت، طاعت و بندگی، تسلیم و انقیاد، ملت اسلام، روش و روند و توحید و خداپرستی آمده است» (۱۷، ج ۱، صص: ۷۶-۷۷). علامه‌ی طباطبایی در ذیل تفسیر آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی روم دین را این گونه تعریف می‌کند: «دین، عبارت است از اصول علمی و سنن و قوانین عملی که برگزیدن و عمل به آن‌ها تضمین‌کننده‌ی سعادت حقیقی انسان است. از این رو، لازم است دین با فطرت انسان هماهنگ باشد تا تشریح با تکوین مطابقت داشته باشد و به آن چه آفرینش انسان اقتضای آن را دارد پاسخ گوید: چنان‌که مفاد آیه‌ی فطرت: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» همین است (۱۴، ج ۱۶، ص: ۲۸۸).

۲.۲. مفهوم تربیت

از منظر راغب اصفهانی کلمه‌ی رب در اصل از ماده‌ی تربیت است و آن عبارت است از ایجاد شیء برای حالی، پس از حالی تا حد تمام و کمال: «التربية إنشاء الشيء حالاً فحالاً إلى حد التمام» (انفال/۱۸۹). به نظر می‌رسد بهتر است به این تعریف برای شناخت اصیل‌ترین عنصر تربیت توجه شود. از این رو می‌توان گفت که خلقت نیز در جهت تربیت است، چرا که می‌تواند آدمی را به سوی کمال سوق دهد. به زعم باقری: «مفهوم ربیت و ربانیت (از ریشه ر ب ب) برای نشان دادن ویژگی‌های تربیت اسلامی از مفهوم (ی ر ب و) مناسب‌تر است (۳، ج ۱، ص: ۶۴). در واقع، با این تعریف مراد از تربیت ربوبی شدن و ربوبی ساختن آدمی است که با دین پیوند ناگسستنی دارد.

۳.۲. مفهوم تربیت دینی

با عنایت به تعاریف ارائه شده از دین و تربیت، این گونه می‌توان گفت که تربیت دینی جزئی از تربیت در معنای عام نیست، بلکه غایت تربیت و یا تربیت مطلوب محسوب می‌شود، زیرا هدف نهایی تربیت آن است که مترقی‌خویش را ربوبی سازد. بنابراین تربیت مطلوب همان تربیت دینی است. از همین روست که برخی معتقدند: «تربیت دینی به معنی اعم محدود به مسایل اعتقادی، معنوی و یا اخلاقی نمی‌شود، بلکه رفتار و اندیشه‌ی آدمی را در سایر ابعاد فرهنگی، سیاسی، اعتقادی، اجتماعی، عاطفی و هیجانی دربرمی‌گیرد و در یک کلمه شخصیت انسان را پوشش می‌دهد» (۹، ص: ۱۱).

تعاریف فوق مبین این نکته‌ی اساسی است که توجه به بعد ارزشی و اعتقادی جزو لاینفک تربیت دینی است. با وجود این، در فرهنگ منبعث از تعالیم اسلامی، تربیت دینی تربیت مطلوبی است که از جزئی‌ترین مسایل زندگی تا مسایل عمده‌ی آن را در بر می‌گیرد و کل شخصیت انسان را پوشش می‌دهد؛ زیرا تربیت دینی به معنای متخلق شدن به اخلاق الهی است که هدف بعثت تمام پیامبران است.

۳. قلمرو تربیت دینی

تعاریفی که از دین ارائه شد مبین این نکته‌ی اساسی است که گستره‌ی دین از چنان وسعتی برخوردار است که کلیه‌ی شؤون زندگی انسان را در بر می‌گیرد. از همین رو تربیت دینی به عنوان تربیت ویژه‌ای که از دین نشأت گرفته و پیوندی ناگسستنی با تعالیم دین دارد، قلمرویی به وسعت تمام شؤون زندگی انسان دارد. بنابراین تربیت دینی را می‌توان در قالب الف) تربیت دینی در خصوص ارتباط انسان با خدا؛ ب) تربیت دینی در خصوص ارتباط انسان با خود؛ ج) تربیت دینی در خصوص ارتباط انسان با دیگران و د) تربیت دینی در خصوص رابطه‌ی انسان با جهان هستی بررسی کرد.

۴. سیره‌ی امام حسین(ع) و ارتباط انسان با خدا

بر اساس تعالیم اسلامی، تربیت دینی با محوریت دین اسلام عبارت است از: «شناخت خدا به عنوان ربّ یگانه‌ی انسان و برگزیدن او به عنوان ربّ خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر» (۳، ج ۱، ص: ۶۱). بر این اساس تربیت دینی با محوریت ارتباط انسان با خدا شکل می‌گیرد و سایر روابط انسانی را در مسیر تحقق اهداف تربیت دینی هدایت می‌کند. اساس این ارتباط شناخت است؛ شناختی که انتخاب و عمل آگاهانه را به همراه خواهد داشت. تعظیم شعایر الهی و عبادتی که عنصر شناخت و آگاهی جزو لاینفک آن محسوب می‌شود، مبین انتخاب آگاهانه‌ی انسان در این ارتباط است. تجلّی این شناخت و عبادت آگاهانه در عملکرد انسان، توکل و در مراتب والاتر تسلیم و رضا در برابر اراده‌ی الهی را به همراه خواهد داشت.

سیره‌ی امام حسین در جریان واقعه‌ی عاشورا الگوی متعالی ارتباط انسان با خداست. بارزترین نمودهای این ارتباط متعالی همان گونه که عنوان شد عبارتند از: تعظیم شعایر الهی، عبادت، توکل و رضا و تسلیم.

۴.۱. تعظیم شعایر الهی

«شعایر» جمع کلمه شعار است: «کلمه شعار هم خانواده شعور است و در آن درک و فهم نهفته است. شعار عبارت است از چیزی که نوعی اعلام وابستگی به گروه یا فرقه و جمعیت معین در آن باشد. احترام به شعایر الهی به منزله‌ی بزرگ شمردن شعارهای اسلامی است، شعارهایی که از اصول اعتقادی، اجتماعی و عبادی اسلام نشأت گرفته‌اند» (۲۶، ص: ۲۰۵). لزوم تعظیم شعایر اسلامی از جمله اصول مورد تأکید اسلام و از نشانه‌های تقوا محسوب می‌شود: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ». و هر کس شعایر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل‌هاست (حج/۳۲). در ذیل تفسیر این آیه تعظیم این گونه تعریف شده است: «حقیقت تعظیم آن است که مقام و موقعیت این شعار را در افکار و اذهان و ظاهر و باطن بالا ببرند و آن چه درخور احترام و عظمت آن‌هاست به جای آورند. ارتباط این عمل با تقوای دل‌ها نیز روشن است؛ زیرا علاوه بر این که تعظیم جزو «عناوین قصیده» است، بسیار می‌شود که افراد متظاهر یا منافق تظاهر به تعظیم شعار می‌کنند، ولی چون از تقوای قلب آن‌ها سرچشمه نمی‌گیرد، بی ارزش است. تعظیم و بزرگ‌داشت حقیقی از آن کسانی است که تقوای دل دارند» (۳۰، ج ۱۴، ص: ۹۷).

بزرگ‌داشت شعایر الهی را می‌توان یکی از مهم‌ترین فلسفه‌های وجودی قیام امام حسین(ع) دانست. عدالت‌خواهی، مبارزه با ظلم، بدعت‌زدایی و امر به معروف و نهی از منکر از جمله شعایر الهی است که بزرگ‌داشت این شعایر در جامعه اسلامی آن زمان، عامل قیام سید شهادت محسوب می‌شود. بر این اساس امام حسین(ع) در آغاز نهضت تربیتی خود احیای امر به معروف و نهی از منکر را یکی از دلایل قیام خود عنوان می‌کند: «أَرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ» می‌خواهم به خوبی‌ها سفارش و از زشتی‌ها جلوگیری کنم (۲، ج ۴، ص: ۸۹). احیای سنت‌های نبوی که برگرفته از شعایر الهی است و مبارزه با بدعت‌هایی که به انزوا کشاننده‌ی اصول اسلام و به تبع آن شعایر الهی بود، یکی دیگر از اهداف قیام سید الشهداست که در نامه‌ی خود به مردم بصره به صراحت اعلام نمودند: «وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ - فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِّيتَتْ وَ أَنْ الْبِدْعَةَ قَدْ أُحْيِيَتْ» من شما را به کتاب و سنت پیامبر(ص) دعوت می‌کنم که سنت را میرانده‌اند و بدعت را زنده کرده‌اند» (۱۶، ج ۵، ص: ۳۷۵). ایشان در خطبه‌ای که در منزل «بِضَه» در سرزمین عراق ایراد فرمودند ضمن معرفی خود به عنوان شایسته‌ترین مصلح اوضاع نابسامان اجتماع آن زمان، تعطیلی حدود الهی را که در زمره‌ی شعایر الهی است، از جمله دلایل حرکت انقلابی خود عنوان نمودند: «أَلَا وَ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ، وَ تَرَكَو طَاعَةَ الرَّحْمَانِ، وَ أَظْهَرُوا الْفَسَادَ، وَ غَطَّلُوا الْحُدُودَ، وَ اسْتَأْتَرُوا بِالْفَقَى، وَ أَحَلُّو حَرَامَ اللَّهِ، وَ

حَرَمُوا حَلَالَه. وَ أَنَا، أَحَقُّ مَنْ غَيْرَ» مردم! آگاه باشید که اینان (امویان) پیروی از شیطان را بر خود واجب و حدود الهی را تعطیل کرده‌اند؛ و اموال عمومی را به خود اختصاص داده‌اند؛ و حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام ساخته‌اند؛ و من شایسته‌ترین کسی هستم که این وضع را تغییر دهم (۱، ج ۴، ص: ۴۸).

۲.۴. عبادت

«عبادت در لغت به معنای غایت تذلل است. عبادت نهایت فروتنی و طاعت بنده است» (۸، ص: ۳۳۰). «ظاهر عبادت عبارت است از انجام پاره‌ای از اعمال توسط اندام بدن مانند رکوع سجده و طواف؛ اما حقیقت عبادت عبارت است از آن که انسان خود را در برابر ربّ خویش، در مقام مملوکیت و مربوبیت قرار دهد» (۳، ج ۱، ص: ۸۱). عبادت به معنای واقعی به عبودیت منتهی می‌شود. هدف نهایی از خلقت انسان بنا بر نصّ صریح قرآن عبادت است. بنابراین هدف نهایی تربیت دینی رساندن آدمی به مرحله‌ی عبودیت خداوند است. عبادت در صورتی که با عنصر آگاهی توأم باشد، نقش مهمی در هدایت انسان ایفا می‌کند. نماز نماد عبادات در دین اسلام محسوب می‌شود. نماز به عنوان مؤکدترین عبادات در دین اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نماز به منزله‌ی پرچم و نشانه‌ی مکتب اسلام است. خداوند در قرآن بارها به نقش تربیتی نماز اشاره کرده است: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت/۴۵). نماز را می‌توان اساسی‌ترین عنصر تربیت دینی دانست به گونه‌ای که ترک آن باعث ضایع شدن سایر اعمال است. از همین روست که دوزخیان در پاسخ این سؤال که چه چیز شما را به دوزخ کشاند می‌گویند: «قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» (مدثر/۴۳). نماز به عنوان دریچه‌ی ارتباط انسان با خالق تداوم‌بخش تعالیم تربیتی است. نماز عنصر تربیتی مهمی است که در صورتی که با عنصر آگاهی و شناخت همراه شود، علاوه بر نقش سازندگی مرتبی نقش اصلاحی نیز به همراه دارد. از همین روست که علی(ع) در خطبه ۱۹۹ نهج‌البلاغه درباره‌ی نقش نماز در اصلاح انسان می‌فرمایند: «همانا نماز گناهان را چونان برگ‌های پاییزی فرو می‌ریزد و غلّ و زنجیر گناهان را از گردن می‌گشاید. پیامبر اسلام(ص) نماز را به چشمه آب گرمی که بر در سرای مردی جریان داشته باشد، تشبیه کرد که اگر روزی پنج بار خود را در آن شست‌وشو دهد هرگز چرک و آلودگی در بدن او نماند». نماز در تنگنهای زندگی و مصایب تکیه‌گاه انسان‌ها است: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (بقره/۴۵). در تفکری که بر مبنای تربیت صحیح دینی شکل گرفته است نماز به ادای کلمات خاص در قالب اعمالی معین خلاصه نمی‌شود، بلکه به عنوان فریضه‌ی دینی محور سایر فعالیت‌های دینی است. به همین دلیل است که امام علی(ع) درگیر و دار جنگ مترصد وقت نماز است و در مقابل اعتراض اصحاب

می‌فرمایند: «انما قاتلناهم علی الصلوه» (۱۸، ج ۱، ص: ۱۹۹). نماز به عنوان رکن اساسی دین اسلام تنها عاملی است که باعث می‌شود سیدالشهدا که با صلابت در برابر حاکمیت یزید قیام می‌کند و بارها در جواب دعوت آن‌ها به سازش اعلام کرده بود: «إِنِّي لَأُزِي الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً- وَ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا» من در چنین محیط ذلت باری، مرگ را جز سعادت و زندگی با این ستمگران را چیزی جز رنج و نکبت نمی‌دانم (۱۶، ج ۵، ص: ۴۰۴)، از دشمن بخواهد جنگ را یک روز به تاخیر بیندازد.

نماز و عبادت امام حسین(ع) به آگاهی مزین است چرا که او را به غایت تربیت یعنی همان عبودیت رسانده است. چه بسیار بودند کسانی که نماز و عبادتشان را عادت و ناآگاهی تباه کرده بود و از این رو حقیقت نماز را که همان احیای معارف الهی است به فراموشی سپردند و ترجیح دادند تن خود را با کثرت نماز رنجور سازند، اما جسم خود را در راه احیای دین الهی آماج تیرهای بلا نسازند و بمانند و در ذلت زندگی را سپری کنند. زیباترین و ماندگارترین نماز در تاریخ نماز خوفی بود که امام حسین(ع) در ظهر عاشورا بر پا کرد. نقل شده که ابوتمامه‌ی صیداوی در ظهر عاشورا وقت نماز را به امام یادآوری کرد. امام فرمود: «یاد کردی نماز را؛ خدا تو را از نماز گزاران و ذاکرین قرار دهد ... پس فرمود از این قوم بخواهید دست از جنگ بردارند تا ما نماز گزاریم» (۱۹، ص: ۵۰۴).

۳.۴. توکل در سیره‌ی امام حسین

«توکل در لغت به معنای اعتماد کردن و واگذاری کار به دیگری است» (۸، ص: ۵۶۷). در اصطلاح شرع توکل عبارت است از: «اعتماد بر خداوند متعال در جمیع امور و تکیه بر اراده‌ی او» (۲۵، ص: ۱۱۵). البته گاهی مشاهده می‌شود که برخی توکل را با رخوت و سستی یکی قلمداد می‌کنند و تصور و رویکرد آن‌ها این است که وقتی توکل می‌کنند نیازی به تلاش و کوشش ندارند، در حالی که در فرهنگ دینی کلمه‌ی توکل همیشه مفهومی زندگی‌بخش، محرک و حماسی دارد؛ قرآن به عنوان اساس‌نامه‌ی تربیت دینی هر جا که می‌خواهد بشر را وادار به عمل کند و ترس را از انسان بگیرد می‌فرماید: به خدا توکل کن «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» و چون بر (کاری) دل بنهادی بر خدای توکل کن که خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد» (آل عمران/۱۵۹). امام حسین به عنوان ثمره‌ی اعلا‌ی تربیت دینی در حرکت انقلابی خود ضمن توکل بر خدا پویایی و تلاش در مسیر تحقق اهداف متعالی خویش را به نهایت می‌رساند. ایشان در آغاز حرکت انقلابی و اعتراض‌آمیز خویش در ترک مدینه در وصیت‌نامه‌ی خود به برادرشان محمد بن حنفیه می‌فرمایند: «همانا من برای اصلاح امت جدم بیرون شدم می‌خواهم دین را رواج دهم و از منکرات جلوگیری کنم هر کس از من حق را بپذیرد حق را پذیرفته است و هر کس مرا

رد کند صبر می‌کنم تا خدا میان من و قوم ستمکار قضاوت کند و او بهتر حاکمی است. ای برادر! این وصیت من است به تو. «و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب» (۲۰، ص: ۷۲). امام حسین توکل و رخوت و بی‌تفاوتی را درهم نمی‌آمیزد و به عنوان یک انسان وارسته که چیزی را خوش‌تر از عبادت الهی نمی‌داند، به بهانه‌ی توکل بر خدا انفعال و سستی را در پیش نمی‌گیرد. بنابراین با تدبیر و اندیشه و براساس مقتضیات زمان خود گام در راه می‌گذارد و در ضمن آن با استعانت از خدا و توکل بر او مبارزه خود را شروع می‌کند. از همین روست که در صبح عاشورا در حالی که قدم در میدان کارزار می‌گذارد می‌فرماید: «اللَّهُمَّ أَنْتَ يَتَّقِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَ أَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَ عُدَّةٌ» (۲۸، ج ۲، ص: ۹۶). توکل به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی تربیت دینی با تلاش در راه تحقق هدف، پیوندی ناگسستنی دارد. از همین روست که امام حسین(ع) در خطبه‌ی خود در روز عاشورا یعنی روز نبرد و کارزار و در جریان تلاش‌های مداوم و پیگیر خود برای هدایت دشمنان می‌فرماید: «إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ» (۲۴، ج ۴۵، ص: ۹). عملکرد امام در جریان واقعه‌ی عاشورا مبین این اصل مهم است که توکل در تربیت دینی با انفعال و بی‌تحریکی نسبتی ندارد، بلکه به معنای تلاش آگاهانه و ایفای نقش فعال در جریان امور است.

۴.۴. رضا و تسلیم

«رضای بنده از خدا به معنای خشنودی او از اجرای قضا و حکم خداست» (۸، ص: ۲۰۲). رسیدن به مقام رضا یکی از ثمرات تربیت دینی است که تربیت بنده‌ی خالص شده‌ای را به همراه خواهد داشت که نه تنها نسبت به حوادثی که به حکم و اقتضای تقدیر او اتفاق می‌افتد خشنود است، بلکه عملش مخلصانه است و سراسر وجودش از غیر خدا پاک و آزاد است و تنها در برابر ذات باری تعالی سر تسلیم فرود می‌آورد: «تسلیم عبارت است از استقبال از قضای الهی، مقام تسلیم فوق مرتبه‌ی توکل و رضاست و این مقام حاصل نمی‌شود مگر برای کسی که مراتب و درجات کمال را پیموده باشد و به اعلا مرتبه‌ی یقین رسیده باشد» (۱۰، ج ۲، ص: ۵۹). تسلیم در تربیت دینی دارای مراتبی است که عبارتند از: «تسلیم تن، تسلیم عقل و تسلیم دل» (۲۷، ص: ۲۶۶). امام حسین(ع) در جریان واقعه‌ی عاشورا مراتب سه‌گانه تسلیم در برابر ذات اقدس الهی را در حد اعلا خود به نمایش گذاشتند. فرمایش‌های ایشان در هنگام خروج از مکه از تسلیم در برابر اراده‌ی خداوند متعال حکایت می‌کند؛ تسلیمی که با انفعال و تن دادن به ظلم متفاوت است. ایشان در عین تسلیم بودن در برابر خداوند در برابر عصیان بندگان او به پا می‌خیزد و در راه احیای معارف الهی تلاش می‌کند. ایشان در هنگام خروج از مکه فرمودند: «رَضِيَ اللَّهُ

رِضَانَا أَهْلَ النَّبِيِّ نَصِيرٌ عَلَى بَلَائِهِ وَ يُؤَقِّينَا أُجُورَ الصَّابِرِينَ» رضا و پسند ما خاندان، همان رضا و پسند الهی است. بر بلا و آزمون خداوند شکیباییم و او پاداش شکیبایان را به ما اعطا خواهد کرد (۲۳، ج ۴۴، ص: ۳۶۷). تسلیم در برابر ذات حق و تلاش در راه انجام تکلیف با وجود مصایب و سختی‌ها بیانگر مفهوم پویای تسلیم و رضا در اندیشه‌ی سیدالشهدا است. صبر ایشان در جریان حادثه‌ی کربلا در برابر کلیه‌ی مصیبت‌هایی که بر خود و خانواده‌ی گرامیشان وارد شد، از دیدگاه حق محور ایشان نشأت گرفته بود؛ زیرا در تربیت برخاسته از تعالیم دینی در راه احیای شاعیر الهی باید به شهادت خود، فرزندان و یاران رضا داد. خشنودی از حکم و قضای الهی و تسلیم بودن در برابر اراده‌ی خداوند با وجود تلاش مداوم در جهت تحقق اهداف متعالی مؤلفه‌های اساسی مفهوم تسلیم و رضا در جریان تربیت دینی انعکاس یافته در فرهنگ حسینی است که در آخرین لحظات زندگی سیدالشهدا در عملکرد ایشان تجلی می‌یابد. به گونه‌ای که در هنگام شهادت پس از تلاشی خستگی‌ناپذیر در راه احیای دین الهی، با وجود مواجهه با انبوه مصایب، با چهره‌ای مشعوف از دیدار حق می‌فرماید: «رِضًا بِقَضَائِكَ وَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِكَ» (۲۹، ص: ۳۵۷).

۵. سیره‌ی امام حسین(ع) و ارتباط انسان با خود

به طور کلی انسان دارای دو بعد روحانی و جسمانی است و دستیابی به کمال نهایی مستلزم تربیت صحیح این دو بعد به ویژه بعد روحانی است. تربیت دینی به طور اخص به تربیت بعد روحانی انسان می‌پردازد هرچند از تربیت جسمانی نیز غفلت نمی‌کند. تربیت دینی ثمرات ارزشمندی در وجود انسان پدید می‌آورد و زمینه را برای رشد و بالندگی روحی وی فراهم می‌آورد. سیره‌ی عملی امام حسین(ع) خاصه در جریان واقعه‌ی عاشورا نمود شکوفایی تربیت دینی در ابعاد گوناگون از جمله ارتباط انسان با خود است. خصایلی چون، عزت نفس و تواضع از جمله ثمرات تربیت دینی است که در سیره‌ی عملی امام حسین(ع) در جریان واقعه‌ی عاشورا به وضوح دیده می‌شود.

۱.۵. عزت نفس

عزت که همواره با صلابت و شکست‌ناپذیری متقارن است عبارت است از «حالتی که به انسان استواری و محکمی می‌بخشد تا مغلوب هیچ چیز و هیچ کس نگردد» (۸، ص: ۳۳۳). عزت یا همان عزت نفس یکی از مهم‌ترین ثمرات تربیت دینی است. ثمره‌ی تربیت دینی پرورش انسانی است که حرمت، شرافت و شخصیت برای خود قایل است و بزرگواری خود را در همه حال حفظ می‌کند. «یکی از اهداف مهم تربیت این است که انسان به گونه‌ای تربیت شود که اعتلای روحی بیابد و خود را از پستی و فرومایگی رها سازد و حرمت، شرافت و

شخصیت برای خود قایل شود و بزرگواری خود را در همه حال حفظ نماید» (۶، صص: ۲۱-۲۳). حاصل این نوع تربیت، انسان با صلابتی است که سختی و راحتی و شکست و پیروزی او را به سستی و تباهی نخواهد کشاند و هرگز تن به خواری و زبونی نخواهد داد. این عزت و اقتدار که منشأ الهی دارد، ارمغان خداوند است به دوستانش: «هر کس سربلندی و عزت می‌خواهد، سربلندی و عزت یکسره از آن خداست.» (فاطر/۱۰).

«خداوند خود را متکفل تدبیر و برآوردن عزت انسان می‌سازد، از این رو یکی از اوصاف خود را «رب العزه» می‌داند. این وصف نشانگر آن است که خداوند مالک و صاحب عزت، تدبیرگر عزت و عزت‌پرور است» (۳، ج ۱، ص: ۱۹۲). سیره امام حسین(ع) در جریان واقعه‌ی عاشورا نمود بارز عزت‌محوری است. سرور شهیدان همواره در گفتار و کردار خویش عزت‌مداری را سرلوحه‌ی خویش قرار داده بودند. ایشان پیش از حرکت به سوی کربلا در جواب برادرشان محمد حنفیه که از او می‌خواست برای حفظ جان‌ش با یزید بیعت کند فرمود: «أَنَّهُ لَأَعْطَى الدَّيْنِيَّةَ مِنْ نَفْسِي أَبَدًا» (۱۱، ص: ۱۰۰) و حقیقت این است که هرگز تن به پستی ندهم. مکتب حسین(ع) بر پایه عزت و کرامت انسانی استوار گشته است. عزت‌مداری در کلیه‌ی شؤون قیام کربلا مشهود است، زیرا اساس شکل‌گیری این نهضت صیانت و حفاظت از کرامت انسانی است.

عزت‌محوری در جریان حوادث کربلا مشهودتر و قابل لمس‌تر می‌شود تا آن‌جا که حضرت سیدالشهدا در منازل گوناگون و در جای‌جای خطبه‌های خود بر ذلت‌ناپذیری خود تأکید می‌کنند: «همانا زنازاده فرزند زنازاده مرا بین دو چیز قرار داده یا مرگ با شرافت و جنگ، یا پذیرفتن ذلت و خواری، چه دور است ذلت از ما، خدا ذلت را برای ما روا ندارد، و هکذا رسول او و مؤمنان، و دامن‌های پاک و پاکیزه، و شخصیت‌های والا و جان‌های گران‌مایه از این که طاعت فرومایگان بر شهادت ارجمندان ترجیح یابد» (۵، ص: ۱۷۱). رویکرد عزت‌مدارانه‌ی امام در جریان حادثه‌ی عاشورا مبین این اصل اساسی است که عزت‌محوری در اندیشه، گفتار و کردار جزو اولین آموزه‌های تربیتی در مسیر تربیت دینی است.

۵. ۲. تواضع

فروتنی و تواضع ضد صفت کبر است و لازمه‌ی آن رفتاری است که تکریم دیگران را به همراه داشته باشد. تواضع در تعالیم اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که خداوند در آیه‌ی ۲۱۵ سوره‌ی شعرا رسول گرامی اسلام را به فروتنی در برابر مؤمنان دعوت می‌کند: «وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» و بال [مهر و نرمی] خویش را برای کسانی از مؤمنان که تو را پیروی کردند فرود آر.

تواضع و فروتنی در برابر حق تعالی و مؤمنان از اوصاف پرهیزگاران است، اما فروتنی در برابر انسان‌های خودکامه و متکبر مذموم و نکوهیده است، زیرا تواضع در برابر آن‌ها باعث افزایش کبر و غرور در آن‌ها می‌شود. سیره‌ی عملی امام در جریان واقعه عاشورا بیان‌گر تبلور تواضع در منش ایشان است. امام حسین(ع) آن‌گاه که در برابر خودکامگانی هم‌چون یزید و یارانش قرار می‌گیرد با صلابت و قدرت موضع می‌گیرد. همین شخصیت مقتدر و با صلابت در راه ایفای نقش هدایت‌گر خود در کمال تواضع «به دیدن عبیدالله بن حُرّ جَعْفی که سابقه‌ای پرشرارت داشت رفته، او را به توبه از گذشته و پیوستن به جبهه‌ی حق فرا می‌خواند» (۱۶، ج ۵، ص ۴۰۷). تواضع در سیره‌ی امام نشأت‌گرفته از تربیت دینی است. زیرا بر اساس تعالیم اسلامی، کبریا و عظمت از آن خدا، رسول او و مؤمنان است (منافقون/۸). فروتنی و تواضع امام در برابر مؤمنان پدیدآورنده‌ی صحنه‌هایی زیبا و تکرار نشدنی در جریان واقعه عاشورا بود. قدردانی پی در پی یک رهبر از یاران خود به صورت انفرادی و جمعی و صحنه‌ی زیبای وداع او با غلامش از جمله‌ی این رویدادهاست. گفته‌اند امام حسین(ع) هنگام شهادت غلام خود «بالای سرش آمد و در حالی که روی مبارک خود را بر روی او گذاشته بود، بر او می‌گریست» (۱۹، ص: ۵۱۶). رفتار بزرگوارانه‌ی امام در برابر یاران، خاصه این غلام از تواضع و فروتنی ایشان در برابر مؤمنان سرچشمه می‌گیرد.

۶. سیره‌ی امام حسین(ع) و ارتباط انسان با دیگران

انسان موجودی است که در تعامل با جامعه و روابط و مناسبات اجتماعی رشد می‌کند. بنابراین تربیت دینی در صورتی به اهداف متعالی خویش خواهد رسید که از تعاملات انسان با سایر انسان‌ها غافل نباشد. در جریان این ارتباط دو سویه است که از سویی انسان از دیگران اثر می‌پذیرد و از سوی دیگر منشأ تغییر دیگران می‌گردد. در جریان عاشورا آموزه‌های تربیتی فراوانی در خصوص ارتباط امام با دیگران وجود دارد که از سویی بیان‌گر رویکرد امام در جهت تحقق اهداف تربیت دینی در آن مقطع زمانی است و از سوی دیگر مبین اصول اساسی تربیت دینی است. بخشی از این آموزه‌ها عبارتند از: در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی، عفو و مثبت‌نگری در خصوص هدایت انسان‌ها و عمل‌گرایی در جریان تربیت دینی.

۶.۱. در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی

هر چند پرداختن به بحث تفاوت‌های فردی در عرصه‌ی تعلیم و تربیت از دیرباز مطرح بوده، توجه جدی به آن در سده‌های اخیر صورت گرفته است. این در حالی است که در آموزه‌های دینی این مسأله همواره به عنوان اصلی اساسی مد نظر قرار گرفته است. در

آیه‌ی ۲۸۶ سوره بقره این موضوع صراحتاً بیان شده است: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» خداوند هیچ کس را، جز به اندازه‌ی توانایی‌اش، تکلیف نمی‌کند. آیات ۲۳۳ بقره، ۵۲ انعام و ۴۲ اعراف نیز بیان‌گر اهمیت توجه به تفاوت‌های فردی در اسلام است. متناسب‌سازی تکالیف دینی با اوضاع و احوال جسمی و حتی موقعیت مکانی و زمانی افراد بیان‌گر کاربردی شدن این اصل کلی در رویکرد تربیتی دین اسلام است. این اصل مهم از آن‌چنان اهمیتی برخوردار است که امام حسین(ع) در سخت‌ترین اوضاع از آن غافل نمی‌شود و با در نظر گرفتن احوال یاران خود بیعت خود را از برخی از آن‌ها به طور اختصاصی برمی‌دارد. به عنوان نمونه امام وقتی شنید که که پسر محمد بن بشیر حضرمی در سرحد ری اسیر شده است به او فرمود: «خدا تو را رحمت کند من بیعت خویش را از تو برداشتم. تو برو در تلاش آزاد کردن پسترت باش» (۲۰، ص: ۲۰۶). امام با بصیرتی فراوان با ملاحظه‌ی وضعیت روحی محمد بن بشیر در سخت‌ترین وضعیت که از دیدگاه راهبردی‌پردازان جنگی وجود یک نفر نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است، بیعت خویش را از او برمی‌دارد. از دیدگاه امام، آرامش روحی افراد در هنگام انتخاب راه و در پی آن نبرد از اهمیت فراوانی برخوردار است. بنابراین امام با توجه به تفاوت‌هایی که در پی برخی حوادث در روحیه‌ی افراد ایجاد می‌شود، بیعت خود را از آن‌ها برمی‌دارد. این اقدام امام نمود بارز توجه به تفاوت‌های فردی در جریان تربیت دینی است.

۲.۶. مثبت‌نگری در جهت هدایت انسان‌ها

انسان موجودی است که در والاترین درجه‌ی شرافت قرار دارد. همه‌چیز فرع اوست و او مسجود فرشتگان است: «و لقد کرّمنا بنی آدم». با وجود این مسیر پر فراز و نشیب زندگی و انتخاب‌های ناآگاهانه کرامت او را تضعیف می‌کند و او را در معرض تحقیر و تضعیف نفس قرار می‌دهد. البته توبه راهی است برای بازیابی کرامت نفس از دست رفته: «کریم کسی است که از حرام‌ها دوری گزیند و از عیب‌ها پاک باشد» (ج ۲، ص: ۴). فراموشی گذشته سیاه انسان‌ها و پیش‌داوری نکردن در مورد آن‌ها نیازمند نوعی مثبت‌نگری است. با دیده‌ی احترام به انسان‌ها نگرستن و پرهیز از قضاوت‌های شتابزده‌ای که از عمل کرد گذشته افراد نشأت می‌گیرد، نوعی بسترسازی تربیتی در جهت هدایت انسان‌هاست. امام حسین(ع) به عنوان اسوه‌ی تربیتی بارها این شیوه‌ی تربیتی را جهت هدایت افراد به کار برد. ملاک امام برای مواجهه با توبه‌کنندگان عمل کرد صحیح ایشان در زمان حال بود. نمونه‌ی بارز مواجهه‌ی امام با توابعین، مواجهه‌ی ایشان با حر است. «محمد بن ابوطالب و صاحب کتاب مناقب و ابن اثیر که به گفته‌ی همه متقارب است می‌گویند: حر نزد امام حسین(ع) آمد و گفت: یا بن رسول الله! من اول کسی بودم که به تو خروج کردم. به من اجازه بده تا در

جلوی تو اولین قتیل باشم و اولین کسی باشم که فردای قیامت با جد تو مصافحه نمایم» (۳۲، ص: ۲۳). امام در برخورد با حر هیچ اشاره‌ای به اعمال گذشته‌ی حر و ممانعت وی از حرکت اهل بیت نمی‌کند و در جواب حر که نگران است امام او را نبخشاید، می‌فرماید: «توبه‌ات را خدا قبول کند؛ فرود آی» (۲۰، ص: ۲۳۲). عکس‌العمل امام نسبت به حر در نگاه اوّل حاکی از نوعی مثبت‌نگری است. زیرا کوچک‌ترین اقدام و یا حتی جمله‌ای که حاکی از سوء ظن در برخورد اوّل‌یه‌ی امام با حر به عنوان یکی از سرداران سپاه دشمن باشد، در تاریخ گزارش نشده است. امام حر را با آغوش باز می‌پذیرد. برخورد امام با حر نشان می‌دهد در جهت تحقق تربیت دینی ملاک برای قضاوت در مورد افراد عمل کرد آن‌ها در زمان حال است و گذشته و اعمال گذشته‌ی افراد نباید باعث پیش‌داوری در مورد آن‌ها شود. سیره‌ی عملی امام در جریان حادثه‌ی کربلا مبین این اصل مهم در تربیت دینی است که گذشته‌ی افراد هر چه قدر سیاه باشد، در خور چشم‌پوشی است و به محض پشیمانی افراد و عزم آن‌ها در جبران خطاها باید از گذشته‌ی سیاه آن‌ها چشم‌پوشید. چنان که گفته‌اند: «بخشش کینه‌ها را از میان می‌برد» (۴، ص: ۳۶۸). همین عفو و گذشت است که باعث می‌شود امام حر را با آغوش باز پذیرفته، در هنگام شهادت بر بالین او حاضر شود و با ظرافتی بسیار در گفتار، عملکرد او را تأیید و تحسین کند: «هم‌چنان که مادرت تو را حر نامید تو در دنیا و آخرت حرّی» (۱۶، ج ۵، ص: ۴۲۸). امام ضمن اشاره به مفهوم لغوی اسم حر از سویی اقدام مادر حر را در انتخاب نامی زیبا برای فرزندش تحسین می‌کند و از سوی دیگر حر را به عنوان آزادمردی که در آخرین لحظات خود را از فشار روانی حاکم بر سپاه عمر سعد رها کرد و آزادانه به ندای حق گوش فرا داد، ستایش می‌کند.

۳.۶. عمل‌گرایی

یکی از بزرگ‌ترین آفت‌های تربیت دینی فقدان عمل‌گرایی در این عرصه است. تلاش در جهت نهادینه کردن رفتارهای دینی در سایر افراد امری است پسندیده، اما ترغیب و تشویق دیگران برای دین‌گرایی بدون محقق شدن این رفتارها در سیره‌ی عملی شخصی نتیجه‌ی چندانی به دنبال نخواهد داشت: «قُلْ يَا قَوْمِ اَعْمَلُوا عَلٰی مَكَانَتِكُمْ اِنِّيْ غَافِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ اِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (انعام/۱۳۵). عمل‌گرایی در عرصه‌ی تربیت دینی از سویی آزمونی برای سنجش اعتقادات قلبی افراد محسوب می‌شود و از سوی دیگر الگویی است کارآمد برای دیگران. عملکرد امام حسین(ع) در وقایع عاشورا مبین این نکته‌ی مهم است که ایشان فرایض و دستوره‌های دین را به حوزه‌ی اندیشه محدود نکرده‌اند، بلکه آن را در سیره‌ی عملی خود متبلور ساخته‌اند؛ برای مثال تأکید امام بر نماز و عبادت تنها در محدوده‌ی کلام باقی نمی‌ماند، بلکه در عبادت‌های ایشان در شب

عاشورا و نماز ظهر عاشورا متجلی می‌شود؛ تأکید ایشان بر عفو و گذشت در زمان قدرت در مواجهه‌ی ایشان با حر و بخشش او به عمل تبدیل می‌گردد: «اغفی الناس من عفا عن قدرته» (۲۱، ص: ۳۲۴).

۶.۴. احترام به حقوق دیگران

در فرهنگ اسلامی واژه‌ی حق از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، چرا که از والاترین مرتبه‌ی وجود تا ادنی مرتبه‌ی آن به نوعی با این واژه مرتبط هستند. بر این اساس حق شامل حق الله، حق الناس و حق النفس است. احترام به حقوق دیگران یا رعایت حق الناس در تربیت دینی منبعث از سیره‌ی معصومان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به گونه‌ای که نبی مکرم اسلام نادیده گرفتن آن را در زمره‌ی گناهان بزرگ قرار می‌دهد: «از گناهان بزرگ این است که مال دیگری را بدون حق تصرف کنند» (۴، ص: ۵۱۸). ادای دیون دیگران مبین احترام به حقوق آنهاست. این امر از چنان اهمیتی برخوردار است که امام حسین(ع) کسانی را که حق الناس بر ذمه دارند از همراهی خود محروم می‌کند. ایشان در روز عاشورا رسماً اعلام کرد: «لَا يُقْتَلُ مَعِيَ رَجُلٌ عَلَيْهِ ذَيْنٌ» کسی که حق دیگران بر ذمه دارد سعادت کشته شدن در جبهه من (و در راه حق) را ندارد (۱۳، ص: ۴۶۸). اهتمام بر استرداد حقوق دیگران در سخت‌ترین اوضاع و احوال بیان‌گر جایگاه ویژه‌ی احترام به حقوق دیگران در تربیت دینی منبعث از اندیشه‌های پیشوایان دینی است.

۷. سیره‌ی امام حسین(ع) و ارتباط انسان با جهان هستی

رویکرد اسلام در برابر جهان هستی رویکردی متعادل است که بر همه‌ی افراط و تفریط‌های پیش از آن خط بطلان کشیده است، زیرا در بینش اسلام آخرت‌گرایی و دنیاگرایی محض مطرود است. اسلام از پیروان خود می‌خواهد که سعادت و نیک‌بختی را در هر دو جهان جست‌وجو کنند. «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (بقره ۲۰۱). هستی‌نگری امام حسین(ع) که از آموزه‌های تربیتی دین اسلام نشأت گرفته است، منشأ رویکرد خاص تربیتی ایشان در قلمروی تربیت دینی است. نگاه ابزاری حاصل این رویکرد تربیتی است.

۱.۱. نگاه ابزاری به دنیا

وجود انسان همواره مملو از بیم و هراس است. بیم جان، ترس از دست دادن مال، فرزندان و موقعیت اجتماعی متداول‌ترین نگرانی‌های انسان است. همین نگرانی‌هاست که قید و بند انسان می‌گردد و انسان را بر آن می‌دارد تا عزم خود را برای حفظ آنها جزم کند و پیامد این تلاش بی‌حاصل تمسک به غیر خداست. در حالی که یکی از ثمرات تربیت

دینی نگاه ابزاری به نعمت‌های خداست. جان، مال، زن، فرزند و موقعیت اجتماعی امانت‌هایی هستند که باید در راه نیل به قرب الهی به کار گرفته شوند: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (انفال/ ۲۸). انسان رشد یافته در بستر تعالیم دین، نعمات را به خدمت خود می‌گیرد و هرگز خود را وقف حفظ مطامع دنیوی نمی‌سازد. امام حسین(ع) در جریان واقعه عاشورا با وسعت دیدی که در سایه‌ی تربیت دینی به دست آورده بود همه‌ی هستی خویش را در طبق اخلاص قرار داد تا راه برای احیای دین الهی هموار گردد. ایشان هستی خود و خانواده و یارانشان را که با آگاهی کامل با ایشان همراه شده بودند، ابزاری برای تحقق هدف متعالی خود یعنی احیای سنت نبوی نمودند: «إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشِيرًا وَلَا بَطِرًا، وَلَا مَفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» (۲۹، ص: ۱۵۶). زیرا دنیای اسلام در آن زمان تنها این گونه از خواب غفلت بیدار می‌شد. چنان که گفته اند: «اگر عاشورا و فداکاری خاندان پیامبر نبود بعثت و زحمات جان‌فروسی نبی اکرم را طاغوتیان آن زمان به نابودی می‌کشاندند» (۳۱، ج ۱۴، ص: ۲۶۵). یکی از اصلی‌ترین پیامدهای نگاه ابزاری به دنیا تبلور حس بی‌نیازی از غیر خدا در وجود آدمی است. بدین ترتیب انسان در سخت‌ترین احوال به تکلیف خود عمل می‌کند و هرگز انجام تکلیف را منوط به یاری دیگران قرار نمی‌دهد. بر همین اساس در شب عاشورا که احتمال وقوع جنگ از همیشه بیش‌تر است، یاران خود را جمع کرده و به ایشان چنین خطاب کرده اند: «اعتقاد دارم همان فردا دشمن جنگ خود را با ما آغاز خواهد کرد و حالا شما آزاد هستید و من بیعت خود را از شما برداشتم و به همه‌ی شما اجازه می‌دهم که از این سیاهی شب استفاده کرده، هر یک از شما دست یکی از افراد خانواده‌ی مرا بگیرد و به سوی آبادی و شهر خود حرکت کند و جان خود را از مرگ نجات بخشد» (۲۱، ص: ۷۸). اقدام امام در برداشتن بیعت خود از یاران بیان‌گر اوج بی‌نیازی ایشان از غیر خداست. زیرا در اوضاع دشواری که باید در پی حفظ نیروها و یا افزایش آن‌ها بود، امام با شجاعت آن‌ها را در ماندن و رفتن آزاد می‌گذارد. زیرا او ثمره‌ی تربیتی است که از بدو تولد این اندیشه را در او پرورش داده است که «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران/ ۱۷۳).

۸. بحث و نتیجه‌گیری

در جهت تبیین الگوهای رفتاری در حوزه‌ی تربیت دینی، سیره‌ی معصومین مبین مناسب‌ترین الگو است. سیره‌ی امام حسین(ع) به عنوان سومین پیشوای شیعیان مبین الگویی جامع و کامل در حوزه‌ی تربیت دینی محسوب می‌شود. ارتباط با خالق اساسی‌ترین مبحث در تربیت دینی محسوب می‌شود. زیرا سایر ارتباطها

بر اساس نوع این ارتباط شکل می‌گیرد. نماز ظهر عاشورای امام بارزترین نمود نوع ارتباط امام حسین(ع) با خالق هستی است. نماز خوفی که آگاهانه در سخت‌ترین مراحل جنگ بر پا می‌گردد. در بینش سیدالشهدا عبادت و نماز تکلیف محض نیست که در اوضاع و احوال سخت از انسان ساقط شود. نماز و عبادت نوعی ارتباط آگاهانه‌ی عابد و معبود است که در بالاترین سطح خود به یک گفت‌وگوی عاشقانه تبدیل می‌شود و این ارتباط از آن‌چنان اهمیتی برخوردار است که امام برای یک شب عبادت و نیایش بیش‌تر در زندگی از دشمن می‌خواهد جنگ را یک روز به تأخیر بیندازد.

رویکرد امام در امر توکل، تسلیم و رضا رویکردی مبتنی بر آگاهی و تحرک‌آفرین است. عنصر توکل در سیره‌ی امام هرگز او را به انفعال نکشاند و در جریان تسلیم و رضایت به خواست خدا امام هیچ‌گاه دست از تلاش برای بهبود اوضاع برنداشت.

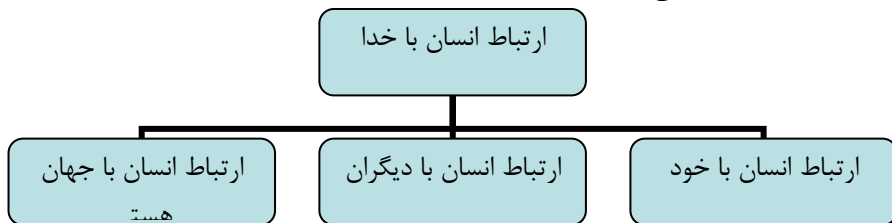
انسان به عنوان موجودی اجتماعی همواره منشأ آثار تربیتی مثبت و منفی برای سایر انسان‌های جامعه بوده است. همان‌گونه که سایر افراد جامعه نیز در سرنوشت تربیتی او موثرند. تربیت دینی به عنوان رویکردی نشأت گرفته از معارف الهی، روابط فرد با دیگران را نیز تحت تأثیر قرار داده است. تأثیر تربیت دینی در روابط انسان با سایر افراد در سیره‌ی عملی امام حسین(ع) در جریان عاشورا به خوبی به چشم می‌خورد. توجه به تفاوت‌های فردی افراد در جریان تربیت به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول در فرایند تربیت به طور اعم، مثبت‌نگری و چشم‌پوشی از خطاهای متریبان در جریان تربیت دینی، عمل‌گرایی و احترام به حقوق دیگران، از جمله‌ی این آثار است.

عزت نفس و تواضع پیامد تربیت دینی در ارتباط انسان با خود است. عزت‌نفس در سیره‌ی امام حسین(ع) باعث اقتدار و شکست‌ناپذیری به معنای واقعی در برابر ظالمان می‌گردد و تواضع و فروتنی نیروی جاذبه‌ای است در جهت تربیت دینی انسان‌های روشن‌ضمیر.

دنیا و به تعبیر امام علی(ع) سجده‌گاه فرشتگان نمودی از هستی است که در تربیت دینی به تحقق اهداف متعالی انسان کمک می‌کند. نگاه ابزاری به دنیا به عنوان وسیله‌ای برای تحقق اهداف تربیت دینی، تبیین‌کننده‌ی عملکرد امام در جریان واقعه‌ی عاشورا است. ایشان ضمن بهره‌گیری از امکانات مادی از آن‌ها به عنوان وسیله‌ای برای نیل به اهداف متعالی بهره بردند.

بررسی روابط انسانی در چارچوب الگوی چهارگانه‌ی مقاله حاضر مبین این اصل اساسی است که ارتباط با خداوند تنظیم‌کننده‌ی سایر روابط انسانی است. بر این اساس در سیره‌ی امام حسین(ع) ارتباط با خالق در سطح متعالی خود ارتباط با خود، دیگران و جهان هستی

را نیز به سوی کمال سوق می دهد.



الگوی روابط انسانی در تربیت دینی

منابع

* قرآن کریم

** نهج البلاغه

۱. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد، (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، ج ۴، بیروت: دار صادر.
۲. ابن شهر آشوب، أبو جعفر محمد بن علی، (۴۰۵ق)، *مناقب آل ابی طالب*، ج ۴، بیروت: دار الاضواء.
۳. باقری، خسرو، (۱۳۸۶)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، ج اول، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات مدرسه.
۴. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، *نهج الفصاحه مجموعه‌ی کلمات قصار حضرت رسول(ص)*، تهران: انتشارات پاینده.
۵. حرانی، أو محمد الحسن بن علی بن الحسن، (۱۳۹۴ق)، *تحف العقول عن آل رسول*، قم: مکتبه‌ی بصیرتی.
۶. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۶۶)، *کرامت در قرآن*، تهران: انتشارات رجا.
۷. خوانساری، آقاجمال، (۱۳۶۶)، *شرح بر غررالحکم و دررالکلم*، ج ۶، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، (۱۳۶۳)، *المفردات*، تهران: دفتر نشر کتاب.
۹. زارعان، محمدجواد، (۱۳۷۹)، «تربیت دینی و لیبرال»، *فصلنامه معرفت*، شماره اول، صص ۲۲-۳۱.
۱۰. سجادی، سید جعفر، (۱۳۶۲)، *فرهنگ معارف اسلامی*، ج ۲، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۱۱. سید بن طاووس، رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی، (۱۴۱۴ق)، *الملهوف علی قتلی الطفوف*، بیروت: دار الاسوه.
۱۲. شریعتمداری، علی، (۱۳۶۲)، *جامعه و تعلیم و تربیت*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۳. شریفی، محمود؛ زینالی، حسین و احمدیان، محمود و مدنی، محمود، (۱۳۷۸)، *فرهنگ جامع*

- سخنان امام حسین (ترجمه‌ی کتاب موسوعه کلمات الامام الحسین)، ترجمه‌ی علی مؤیدی، قم: نشر معروف.
۱۴. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۶۶)، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: انتشارات بنیاد علمی و فکری علامه.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۶۶)، تفسیر المیزان، ج ۱۸، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: انتشارات بنیاد علمی و فکری علامه.
۱۶. طبری، محمدبن جریر، (۱۹۷۹)، تاریخ الرسل و الملوک ج ۵، قاهره: انتشارات دارالمعارف.
۱۷. طریحی، شیخ فخرالدین، (۱۳۷۹ق.)، مجمع البحرین، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. عاملی، حر، (۱۴۱۶ق.)، وسائل الشیعه، قم: انتشارات آل البيت.
۱۹. قمی، عباس، (۱۳۸۱)، منتهی الآمال، قم: انتشارات کامکار.
۲۰. قمی، عباس، (۱۳۸۵)، نفس المهموم، ترجمه‌ی محمدباقر کمره‌ای، قم: انتشارات مسجد جمکران.
۲۱. قیومی اصفهانی، جواد، (۱۳۷۵)، صحیفه الحسین، قم: انتشارات اسلامی.
۲۲. محمد بن سعد، ابو عبدالله، (۱۴۱۵ق.)، ترجمه الامام الحسین و مقتله من طبقات الکبری، تحقیق السید عبدالعزیز الطباطبایی، قم: مؤسسه ال البيت.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۸ق.)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۴۴، قاهره: انتشارات دار احیاء.
۲۴. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۸ق.)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۴۵، قاهره: انتشارات دار احیاء.
۲۵. مشکینی، علی، (۱۳۷۶)، درس‌های اخلاق، ترجمه‌ی علیرضا فیض، قم: ناشر مترجم.
۲۶. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۰)، صد گفتار، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۴)، عدل الهی، تهران: انتشارات صدرا.
۲۸. مفید بن النعمان بغدادی، ابو عبدالله (شیخ مفید)، (۱۴۱۳ق.)، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، قم: انتشارات کنگره‌ی شیخ.
۲۹. مفرم، عبدالرزاق، (۱۳۹۱ق.)، مقتل الحسین، قم: انتشارات بصیرتی.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۲)، تفسیر نمونه، ج ۱۴، قم: دار لکتب السلامیه.
۳۱. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۷۱)، صحیفه نور، ج ۱۴، تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۳۲. نجفی، محمد جواد، (۱۳۶۴)، زندگانی حضرت امام حسین (ع)، چاپ سوم، تهران: انتشارات اسلامی.